

نگرشی به تبیین مفهوم «ورود» به جهنم با رویکردی بر آیات ۷۱ و ۷۲ سورهٔ مریم

دکتر مسعود اقبالی^۱ - محمد مهدی مرادی^۲

چکیده

سیمایی که تعبیر قرآن کریم از حالات روحی و روانی انسان‌ها در هنگام ورود به بهشت یا جهنم تصویر کرده است، نشان دهندهٔ تناسب و هماهنگی لفظ و معنا در تبیین جلوه‌های جزا و مکافات عمل افراد است. مفاد آیات ۷۱ و ۷۲ سورهٔ مریم از چگونگی «ورود» همهٔ انسان‌ها اعم از کافر و مؤمن به جهنم حکایت دارد، که پرهیزکاران نجات می‌یابند و ناپاکان در آن باقی می‌مانند. برخی نیز با تبیین معناشناسی واژهٔ «ورود» در برخی آیات قرآن در جلوهٔ «حضور و اشراف»، آن را قابل تعمیم به معنای واژهٔ «وارد» در سورهٔ مریم دانسته و ورود همگانی به جهنم را منتفی شمرده‌اند. برخی دیگر نیز چنین دخولی را در فضایی غیر از جهنم متصور شده‌اند.

از این رو، پژوهش حاضر به شیوهٔ توصیفی و تحلیل آیات قرآنی، با بررسی و نقد دیدگاه‌های مختلف در این باره، بر معنای واژهٔ «وارد» در جلوهٔ «دخول» در جهنم تأکید داشته و با بهره‌گیری از دیگر آیات و روایات، آن را تبیین کرده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که همهٔ انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر وارد جهنم می‌شوند، اما هنگام ورود بهشتیان به جهنم، آتش سوزان آن هیچ آسیبی به ایشان نمی‌رساند، بلکه شعله‌های

شکوه

سال سی و هشتم / ش ۱۴۴ / پاییز ۱۳۹۸

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسندهٔ مسئول). masood.eghbali89@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن. mahdi9120s@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴، (ص ۷۶-۹۵).

فرروزان آتش در برابرشان سرد و گلستان می‌شود، سپس در امنیت کامل به بهشت درمی‌آیند.

کلیدواژه‌ها: آیه‌های ۷۱ و ۷۲ مریم، ورود به جهنم، حضور و اشراف، مؤمنان، آیات مشکل.

مقدمه

بی‌شک آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام تنها منابع موثقی هستند که می‌توان از طریق آن‌ها به جهان پس از مرگ و رخدادهای آن اشراف داشت و سرانجام گنهکاران و نیکوکاران را به درستی دریافت. آیات قرآنی، حالات بهشتیان در بهشت و جهنمیان در جهنم را آشکارا به تصویر کشیده است. براین اساس، هر گروه از همان ابتدا که به سمت دار باقی خود می‌روند، رفتاری مطابق با آنچه شایسته آن‌هاست دریافت می‌کنند. به این ترتیب نه تنها بهشت و دوزخ کانون مهر و قهر خداست، بلکه تشریفات ورود در هریک از آن‌ها نیز بیانگر همین معناست. آیات شریفه سوره مریم: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا * ثُمَّ نُجِى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» (مریم/ ۷۱-۷۲) به چگونگی ورود انسان‌ها به وادی جهنم اشاره کرده، چنین رخدادی را امری تحقق یافته و لازم‌الاجرا می‌داند؛ چنان‌که عبارت «حَتْمًا مَّقْضِيًّا» بر حتمیت چنین موضعی تأکید کرده است. از سوی دیگر در ادامه آیه، عبارت «ثُمَّ نُجِى» ، بیانگر نجات و رستگاری عده‌ای خاص از مردمان است که به سلامت از آتش سوزان جهنم خارج می‌شوند و به بهشت برین درمی‌آیند. بدین سان درباره موضوع «دخول» یا «عدم دخول» مؤمنان به جهنم، میان مفسران مناقشه و اختلاف رخ داده است و هر گروه با بیان دلایلی چند، در اثبات مفاهیم مورد نظر خود می‌کوشند. برخی با استفاده از علم معناشناسی و غلبه یک معنای خاص از واژه «ورود» و مشتقات آن، به عدم دخول مؤمنان به جهنم قائل بوده، معتقدند که انسان‌های مؤمن هرگز درون جهنم نمی‌روند، بلکه از دور شعله‌های سوزان آن را نظاره کرده، به سمت بهشت رهسپار می‌شوند. عده‌ای نیز با ارجاع ضمیر «ها» در «وَارِدُهَا» به غیر از «جهنم»، ورود به آتش را، نه در جهنم، بلکه در عالم برزخ و صراط و

موارد دیگر متصور شده‌اند. اما بررسی مفهوم برخی آیات قرآنی و آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام چنین دیدگاه‌هایی را منتفی می‌داند و برورود همه گروه‌ها به جهنم و سپس خروج از آن حکایت دارد.

در نوشتار حاضر برآنیم تا این دیدگاه‌ها را بررسی کرده، نگرشی هرچند مختصر بر چگونگی ورود و بدرقهٔ بدکاران و همچنین بهشتیان به جهنم داشته باشیم و اینکه هنگامی که همه وارد جهنم شدند، چه کسانی نجات پیدا می‌کنند؟ پاسخ به این پرسش با بررسی آیاتی که دربارهٔ جهنمیان است مشخص می‌شود.

۱- پیشینه تحقیق

در خصوص ورود به جهنم و نجات یافتگان از آن و تفسیر آیات مرتبط با این موضوع، مقالاتی به رشتهٔ تحریر درآمده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- مقاله «بررسی تطبیقی آیه **﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا﴾** از دیدگاه مفسران»، نوشتهٔ علی پیرهادی و همکاران در مجلهٔ مطالعات تفسیری، شماره ۲۱، سال ۱۳۹۴. نویسندگان این پژوهش با ارائهٔ دیدگاه‌های مختلف در خصوص واژه «ورود» در آیه شریفه، نظر گروهی را که به «عدم دخول مؤمنان در جهنم» قائل‌اند، پذیرفته و با ذکر شواهدی از مفهوم واژگانی در دیگر آیات، آن را در جلوهٔ «حضور و اشراف» متصور شده‌اند، نه «دخول» در جهنم.

۲- مقاله «مفهوم نجات و سیمای نجات یافتگان در قرآن» از پروین بهارزاده و فاطمه سروی، که در فصلنامهٔ تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۱، سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است. نویسندگان با اشارهٔ کوتاهی به دیدگاه مفسران دربارهٔ «دخول و عدم دخول» مؤمنان به جهنم در آیه یادشده به بررسی مفهومی واژه «ننجی» پرداخته و جلوه‌های نجات و گروه‌های نجات یافته را براساس آیات قرآنی ذکر نموده و در پایان به عوامل و موانع نجات انسان‌ها نیز پرداخته‌اند. اما جستار حاضر، با رویکردی متفاوت از هر دو مقاله، درصدد تبیین مفهوم «دخول» در جهنم، از آیات سورهٔ مریم است و با ارائه و نقد و بررسی

دیدگاه‌های مختلف در این باره و ذکر شواهد لغوی و مفهومی در قرآن و روایات، چگونگی «ورود» تمامی انسان‌ها به «جهنم» را تبیین کرده است.

۲- مفهوم‌شناسی

۲-۱. جهنم

واژه «جهنم» ۷۷ بار در قرآن به کار رفته است. در قاموس قرآن آمده است که جهنم به معنای «خانه عذاب» است؛ چنان که قرآن برای آن ابواب را نقل می‌کند: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَبَحَثْ أَبْوَابَهَا» (زمر/ ۷۱). به هر حال جهنم در کاربرد قرآن، محلّ عذاب آخرت و وعده‌گاه کفار و ستمگران است (قرشی، ۱۳۷۵: ۸۴/۲). در مفردات آمده است: «جَهَنَّمَ اسمی است که درباره آتش افروخته عذاب الهی گفته شده؛ اصلش فارسی و معرب است و همان «جهنم» است» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۱/۴۲۷). مؤلف مجمع البحرین می‌گوید: «جهنم از اسم‌های آتش است که خداوند به وسیله آن، بندگانش را عذاب می‌دهد» (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۱/۶). ابن منظور با بیان چنین دیدگاهی از سوی جوهری، کلام او را چنین تصحیح می‌کند: «اگر جوهری می‌گفت: کسانی از بندگانش را که مستحق عذاب اند، عذاب می‌دهد، نیکوتر بود» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۱۱۲).

واژه «جهنم» بر مکانی دلالت دارد که در آن شدت (عذاب‌ها) و جایی بسیار تنگ و نفرت‌انگیز و پراز ناراحتی و درد و رنج است و این معنا، نتیجه راه کسی است که از یاد خدا روی گردان باشد و مشدّد آمدن نون، دلالت بر شدت و کلوح است (مصطفوی، ۱۳۹۳: ۱۵۸/۲). در جای دیگر آمده است که این واژه غیرمنصرف و عبرانی است (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۰۷).

برخی هم گفته‌اند: «این واژه ظاهراً در شعر کهن عربی نیامده است و شاید حضرت محمد ﷺ آن را شخصاً از راه تماس مستقیم یا غیرمستقیم با حبشیان گرفته است» (جفری، ۱۳۸۵: ۱۷۴).

ابن منظور، «جهنم» را به «القَعْرُ البعید» معنا کرده و معتقد است که واژه «جهنم» به

دلیل عمق بسیار زیاد آن، بدین گونه نام گذاری شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱۲/۱۲). شاید این برداشت ابن منظور با روایاتی که جهنم را چاه بسیار عمیقی معرفی می کند، نزدیک باشد. البته واژه جهنم در آیات قرآنی، با نام های دیگری چون نار، سوء الدار، سقر، حاقه، حطمه، دار الفاسقین، دار البوار، هاویه و سعیر نیز یاد شده است.

۲-۲. ورود

درباره معنای واژه «ورود» آمده است که اصل آن «به سوی آبشخور رفتن» است و سپس در غیر این معنا به کار رفته است. «أُوْرِدْتُ الْإِبِلَ الْمَاءَ»؛ یعنی «شتر را به آب وارد کردم». وارد: کسی است که پیش از مردم وارد آبشخور می شود و شترانش را سیراب می کند. همچنین در آیه: ﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ﴾ (قصص / ۲۳) «و چون به آب مدین رسید» به همین معنا آمده است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۴/۴۴۲). جوهری واژه «ورود» را به معنای «حضور» دانسته است: «وَرَدَ فُلَانٌ وُرُودًا: حَضَرَ. و أُوْرَدَهُ غَيْرَهُ، و اسْتَوْرَدَهُ، أَى أَحْضَرَهُ: او را در آنجا حاضر نمود» (جوهری، ۱۴۰۷: ۲/۵۴۹). مؤلف المصباح المنیر نیز این واژه را به معنای «رسیدن و دریافتن» دانسته است، بی آنکه «ورود حقیقی» صورت گیرد: «وَرَدَ: الْبَعِيرُ وَغَيْرُهُ الْمَاءَ (يَرِدُهُ) (وُرُودًا): بَلَغَهُ وَوَأَفَاهُ مِنْ غَيْرِ دُخُولٍ». هر چند در ادامه به صورت ضعیف احتمال معنای «دخول» را نیز بیان کرده است: «وَقَدْ يَحْضُلُ دُخُولٌ فِيهِ». از این منظر، واژه «المورد»؛ یعنی «محل ورود». (المورد) مِثْلُ مَسْجِدِ مَوْضِعِ الْوُرُودِ وَ (وَرَدَ) زَيْدُ الْمَاءِ فَهَوُ (وَارِدٌ) (فیومی، بی تا: ۲/۶۵۵). بنابراین، برخی در تفسیر آیه ۲۳ سوره قصص، فعل «ورد» را به معنای «اشراف و حضور» دانسته اند، همچنان که می فرماید: ﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ﴾ (قصص / ۲۳)؛ «چون به آب مدین رسید، دید گروهی به چهارپایان آب می دهند». «ورود» در این آیه به معنای «نزدیک شدن و رسیدن» است.

«وارد» نیز به معنای کسی است که از رفقا برای آب آوردن جلو افتاده و پیش از دیگران وارد محوطه آب می شود: «وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ...» (یوسف / ۱۹)؛ «و کاروانی آمد، پس آب آور خود را فرستادند تا دلو خود را فرو افکنند...». ظاهراً این تسمیه

از آن جهت است که او پیش از دیگران به آب می‌رسد (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۰۰/۷).
 وَارَدَ مُوَارِدَةً [وَرَدَ] الرَّجُلُ: بر او وارد شد. الوَارِدَات (واردات)؛ یعنی کالاهایی که از خارج به کشور وارد کنند، عایدات دولت از حقوق گمرکی و مالیات‌ها و جزآن. الوَارِدَة (مؤنث الوارِد)؛ یعنی مردمی که به آب وارد شوند، راه و گذرگاه (بستانی، ۱۳۷۵: ۹۷۱).
 در هر صورت می‌توان نتیجه گرفت که «ورود» به معنای «دخول، وارد شدن و رسیدن» است و در آیات قرآن هم به همین معناست.

۳- چگونگی ورود مجرمان به جهنم

در قرآن کریم درباره چگونگی ورود گناهکاران به جهنم از عباراتی همچون «خوار و رانده شدن، به زانو درآمدن، ورود همراه با ملامت و سرزنش» یاد شده است؛ در مقابل از بدرفه نیکوکاران با تعبیرهایی همچون «تحیت و سلام، خوشامدگویی» سخن گفته شده است. این خود نشان می‌دهد که بهشتیان و جهنمیان از همان ابتدا و قبل از آنکه به جایگاه اصلی خود برسند، هنگام مشایعت به جایگاه ابدی خود، برخوردی متناسب با اعمالشان در دنیا را تجربه می‌کنند. خداوند در آیات قرآن چگونگی ورود نیکوکاران به بهشت و گناهکاران به جهنم را با ظرافت خاصی وصف می‌کند؛ به عنوان مثال درباره حالات و چگونگی ورود دوزخیان به جهنم می‌فرماید: «وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ» (زمر/ ۷۱)؛ «و کسانی که کافر شده‌اند، گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند، تا چون بدان رسند، درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانانش به آنان گویند: «مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند؟» گویند: «چرا»، ولی فرمان عذاب بر کافران واجب آمد».
 در این سوره خداوند چه درباره بهشتیان و چه درباره جهنمیان از واژه «سوق» استفاده کرده است. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا خداوند رفتن بهشتیان به بهشت را به

مانند رفتن جهنمیان به جهنم با کلمه «سوق» به معنای راندن و هل دادن که در آن نوعی اهانت نهفته است، تعبیر فرموده است؟

در پاسخ می‌توان گفت: مراد از سوق اهل جهنم، راندن آن‌ها با خفت و خواری و زور است؛ چنان‌که با اسیران و شورشیان بر سلطان هنگام بردن به زندان یا کشتن رفتار می‌شود، ولی مراد از سوق اهل بهشت، راندن مرکب‌های آنان به منظور تسریع آن‌ها در سیر به سوی دار کرامت و رضوان است؛ چنان‌که با فردی شریف و کریم از میهمانان سلطان رفتار می‌شود. پس میان این دو سوق، تفاوت فراوان است.

نیز اختلاف تعبیر «فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا» برای جهنمیان در آیه یادشده و «وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا» برای بهشتیان (در آیه ۷۳ سوره زمر)، از دیدگاه برخی بر بسته بودن درب جهنم برای جهنمیان قبل از رسیدن آن‌ها به جهنم، و باز بودن درب بهشت قبل از ورود بهشتیان دلالت دارد و این امر به سه دلیل است: اول، اهل بهشت وقتی که درها را باز می‌بینند با شادی و سرور به سمت آن می‌شتابند، ولی درهای بسته جهنم برای جهنمیان حرارت بیشتری ایجاد می‌کند. دوم، توقف بر در بسته نوعی ذلت و خواری است؛ پس بهشتیان بر خلاف جهنمیان، از این ذلت مصون هستند؛ سوم، خداوند همواره پاداش را مقدم و کیفر را مؤخر می‌دارد، پس اگر اهل بهشت درها را بسته ببینند، انتظار گشودن در برای کرامت خداوند پسندیده نیست به خلاف جهنمیان که در کیفر آن‌ها تا باز شدن درهای جهنم تأخیر می‌شود و این، شایسته کرامت الهی است (زین‌الدین رازی، ۱۳۸۰: ۴۹۳).

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا» (مریم / ۶۸)؛ «پس، به پروردگارت سوگند که آن‌ها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت، سپس در حالی که به زانو درآمده‌اند، آنان را گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد».

مفهوم آیه این است که همه را روز قیامت با اولیا و قرین‌های شیطانیشان جمع می‌کنیم، آن‌گاه پیرامون جهنم برای چشیدن عذاب گرد هم می‌آوریم. همچنین عبارت «به زانو در آمدن»، کنایه از این است که آن‌ها را با ذلت اطراف جهنم جمع می‌کنند. در تفسیر نمونه آمده است: این آیه نشان می‌دهد که دادگاه افراد بی‌ایمان و گنهکار در

نزدیکی جهنم است. تعبیر «جثیًا» (با توجه به اینکه جثی جمع جاثی، به معنای کسی است که بر سرزانو نشسته) شاید اشاره به ضعف و ناتوانی و ذلت و زبونی آن‌ها باشد، گویی قدرت ندارند بر سرپا بایستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۳/۱۱۵-۱۱۶). مرحوم طبرسی ذیل آیه بیان می‌دارد: «یعنی آن‌ها را در حالی که برزانونشسته‌اند، در اطراف جهنم حاضر می‌سازیم، به طوری که با یکدیگر در ستیز و جدال‌اند و از یکدیگر اظهار تنفر می‌کنند؛ زیرا محاسبه آن‌ها در نزدیکی جهنم است. ابن عباس گوید: «جثی»؛ یعنی «دسته دسته». بنابراین یعنی آن‌ها را دسته دسته به اطراف جهنم می‌آوریم. و نیز گفته شده: یعنی برزانونیستاده‌اند؛ زیرا جای آن‌ها تنگ است و نمی‌توانند بنشینند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۵/۱۹۱).

در سوره مریم حالت دیگری برای مجرمان هنگام ورود به جهنم بیان کرده، می‌فرماید: ﴿وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا﴾ (مریم / ۸۶)؛ «و مجرمان را با حال تشنگی به سوی دوزخ می‌رانیم».

آیه بیان می‌دارد هنگامی که دوزخیان را به سوی دوزخ می‌برند بسیار تشنه‌اند؛ تشنگی‌ای که همراه با حس حقارت و خواری باشد بسیار دردناک است. مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه آورده است: مردم مجرم را مثل شتران تشنه که به سوی آب رانده می‌شوند، به جهنم می‌رانیم (این معنا از ابن عباس و حسن و قتاده است). علت اینکه تشنگان را «ورد» نامیده، این است که به دنبال آب، وارد محل می‌شوند. نیز گفته شده: «ورد» به معنای نصیب است؛ یعنی مجرمان، نصیب جهنم و مؤمنان نصیب بهشت‌اند (همان، ۲۰۶/۱۵).

همچنین در آیه دیگری آمده است: ﴿يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا﴾ (طور / ۱۳)؛ «روزی که به سوی آتش جهنم کشیده می‌شوند، [چه] کشیدنی». این آیه بیان می‌کند که بدکاران با شدت و خشونت به سوی آتش کشیده می‌شوند. مؤلف تفسیر مجمع البیان در تفسیر آیه می‌گوید: «یعنی روزی که با جبر و خشونت در آتش دوزخ افکنده شوند برای اینکه خازنان دوزخ دست‌های آنان را در گردن‌هایشان زنجیر

می کنند و میان پاهای و پیشانی هایشان [با زنجیر] جمع می کنند و سرهایشان میان پاهایشان قرار می گیرد و آن ها را به رو در آتش می افکنند و از پشت سر، آن ها را به طرف آتش هل می دهند و چون نزدیک جهنم شوند، نگهبانان جهنم به آن ها می گویند: این همان آتشی است که در دنیا آن را انکار می کردید (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۲۴۸).

۴- ورود بهشتیان به جهنم و چگونگی گذر از آن

در اینجا این سؤال پیش می آید که چه کسانی وارد جهنم می شوند؟ به عبارت دیگر، آیا مؤمنان هم وارد جهنم می شوند؟ قرآن کریم در سوره مریم به ورود همگان در دوزخ و نجات پارسایان اشاره می کند و می فرماید: ﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا* ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًّا﴾ (مریم / ۷۱ و ۷۲)؛ «و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می گردد. این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است. آن گاه کسانی را که پرهیزکار بوده اند، می رهانیم و ستمگران را به زانو در افتاده در [دوزخ] رها می کنیم».

با توجه به مفهومی که واژگان آیه در ضمن خود دارد، برای تبیین مفهوم واقعی آیه و اینکه کدام گروه وارد جهنم می شوند، نظریات گوناگونی ارائه شده است. در این آیه بیان شده که «کسی از شما نیست مگر اینکه وارد جهنم می شود». مفسران قرآن با رویکردی بر معناشناسی واژه «وَارِدُهَا» و دیگر کلمات آیات مذکور، پیرامون چگونگی ورود در جهنم و شرح حال افرادی که در آن داخل می شوند، نظریات متفاوتی ارائه داده اند که در ادامه، بررسی و تحلیل شده است.

دیدگاه‌ها دربارهٔ ورود یا عدم ورود مؤمنان به جهنم

الف) دیدگاه گروه اول بیانگر آن است که با توجه به معنای واژه «وارد» و کلماتی که در این آیه بیان شده است، «دخول» در جهنم، امری حتمی و اجتناب ناپذیر است، از این رو در دیدگاه مزبور با عنایت به عبارت «حَتْمًا مَقْضِيًّا»، همهٔ انسان ها اعم از مؤمن و کافر

می‌باید در جهنم داخل شوند، اما برای مصون ماندن مؤمنان راستین و افراد بهشتی از آتش جهنم در این مسیر، دلایلی ارائه داده‌اند تا با جایگاه خاص و منزلت افراد بهشتی که در دیگر آیات کریمه تبیین شده است، در تضاد قرار نگیرد.

ب) گروه دوم از مفسران، مفهوم لغوی واژه «ورود» را به معنای «وصول: رسیدن به آب»، برای سیراب شدن و یا مطلق «وصول» دانسته‌اند و اراده معنای «دخول» از آن را نوعی مجاز غیر مشهور برشمرده‌اند (ابن عاشور: ۱۳۸۷: ۶۹/۱۶) و از آن تنها معنای «نزدیکی و اشراف» بر جهنم را برداشت کرده‌اند، نه «ورود» واقعی در آن. برطبق این دیدگاه، همگان برای رسیدگی به اعمال خود به کنار دوزخ می‌آیند، ولی پارسایان نجات می‌یابند و ستمکاران در جهنم سقوط می‌کنند. این دسته از مفسران، چنین مفهومی را با کمک دیگر آیات و مفهوم واژگانی آن استنباط کرده‌اند؛ چراکه واژه «مُبْعَدُونَ» در آیه «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ» (انبیاء / ۱۰۱)؛ «بی‌گمان کسانی که قبلاً از جانب ما به آنان وعده نیکو داده شده است از آن [آتش] دور داشته خواهند شد»، بیانگر آن است که مؤمنان از آتش دوزخ دورند. لذا این دسته از بهشتیان، بی‌آنکه حتی نزدیک جهنم شوند و شراره‌های آن را احساس کنند، از آنجا دور می‌شوند؛ بنابراین دیگر بحث «دخول» در این وادی از اساس منتفی می‌گردد.

در حقیقت شاکله اصلی این دیدگاه برگرفته از آیاتی است که واژه «ورود» و مشتقات آن، معنایی غیر از «داخل شدن» را افاده می‌کند، لذا با اشاره به آیه «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ...» (قصص / ۲۳) معنای «حضور و نزدیکی» را از آن استنتاج نموده‌اند؛ چراکه رسیدن موسی عَلَيْهِ السَّلَام به نزدیکی آب مدین، برداخل شدن در آب دلالت ندارد، بلکه تنها حضور و اشراف او بر آن منطقه را متبادر می‌کند. همچنین با استناد به آیه «وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ...» (یوسف / ۱۹)، معنایی غیر از «دخول» را از واژه «وَارِدَهُمْ» ارائه داده‌اند؛ زیرا در اینجا «وارد» در معنای «اسم فاعلی» کسی است که پیشاپیش کاروان حرکت می‌کند تا آب را پیدا کند و به اعتباری زودتر از بقیه به کناره آب می‌رسد. لذا با توجه به این معنایی که واژه «ورود» و مشتقات آن در این آیات دارد، به

اعتقاد این گروه، مفهوم آیات سوره مریم، داخل شدن همگان در آتش جهنم نیست، بلکه بدین معناست که در کنار آن حاضر شده، شاهد و ناظر آتش جهنم خواهند بود (طوسی، بی تا: ۷ / ۱۴۷؛ اندلسی، ۱۴۲۲: ۷ / ۲۸۹).

ج) گروه سوم از مفسران، به طور کلی صورت مسئله را تغییر داده و با تحلیل واژگانی «واردها» آن را در معنای «دخول» پذیرفته‌اند، اما نه دخول در جهنم. این دسته مرجع ضمیر «ها» در «واردها» را به جایی غیر از جهنم ارجاع داده‌اند:

برخی از آنان، مرجع ضمیر را عالم «برزخ» دانسته‌اند؛ زیرا جهنم در آخرت واقع شده و کسانی داخل جهنم می‌شوند که پس از عزیمت از دنیا و سپری کردن دوران حضور در عالم برزخ، به آنجا می‌رسند؛ لذا با توجه به آیه «وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا» (زمر / ۷۱)، درب‌های جهنم تا آن هنگام هنوز بسته است و جهنمیان با صدور فرمان باز شدن درب‌ها، بدان وارد می‌شوند. در دیگر سوی، بهشتیان نیز با گشوده شدن درب‌های بهشت با اکرام بر آن وارد می‌شوند: «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» (زمر / ۷۳). بنابراین آیه ۷۱ سوره مریم، اشاره به همین عالم برزخ است که همگان اعم از مؤمن و کافر در کنار هم به آن وارد می‌شوند (گنابادی، ۱۴۰۸: ۳ / ۱۲).

در تفسیر روح البیان از «ابن مسعود و حسن و قتاده» روایت شده که آنان حمل ضمیر در «واردها» را بر «صراط» جایز دانسته‌اند؛ چراکه برای رسیدن به بهشت، راهی جز «صراط» وجود ندارد، بنابراین، گذر از صراط (مرور)، در حکم «ورود» به آن است و این همان مفهوم آیه شریفه «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» است (حقی بروسوی، بی تا: ۵ / ۳۵۱). البته هر چند این عده از مفسران به «صراط» و ورود به آن اشاره کرده‌اند، با پذیرش مفهوم «دخول» در آیه، به نوعی بر همان دیدگاه گروه نخست در داخل شدن همگانی بر آتش صحه گذاشته، به حدیثی از رسول خدا ﷺ اشاره می‌کنند که فرمود: «يَرُدُّ النَّاسَ النَّارَ ثُمَّ يَصْدُرُونَ بِأَعْمَالِهِمْ فَأُولَٰئِهِمْ كَلِمَةُ الْبَرِّ...» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۸۱۲). این گروه معتقدند که مؤمن و کافر هر دو داخل آتش می‌شوند، اما هر فردی به اندازه بار گناهانش عذاب می‌بیند و سوزش آتش

را احساس می‌کند (سمرقندی، بی تا: ۳۰۳/۱).

نقد و تحلیل دیدگاه‌ها

در نقد و تحلیل دیدگاه گروه دوم مبنی بر پذیرش معنای «حضور و اشراف» از واژه «واردها» ذکر نکاتی لازم می‌آید. اولاً اینکه «ورود مؤمنان» به جهنم منافاتی با مضمون این آیه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ * لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ﴾ (انبیاء / ۱۰۱ و ۱۰۲) ندارد؛ چراکه آیه می‌فرماید: آنان از آتش دوزخ به دورند؛ و زمانی هم که مؤمنان وارد جهنم می‌شوند از عذاب‌های آن مصون‌اند و گزندی به ایشان نمی‌رسد. لذا واژه «مبعدون» به عنوان دوری مؤمنان از آتش جهنم، اشاره‌ای است به ره‌سپاری آسوده و به دور از هرگونه ناراحتی ورنجشی از سوی مؤمنان؛ چرا که مفهوم آیه، مربوط به جایگاه دائمی و قرارگاه همیشگی مؤمنان است، حتی در آیه بعد از آن اشاره شده است که: ﴿لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا﴾؛ «مؤمنان حتی صدای شعله‌های آتش را نمی‌شنوند»، لذا اگر «ورود» در آیه مورد بحث به معنای نزدیک شدن باشد، با کلمه «مبعدون» و با جمله «لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا» سازگار نیست؛ زیرا در این آیه آمده است که بهشتیان حتی صدای جهنم و جهنمیان را هم نمی‌شنوند.

دو آیه یادشده بیان می‌دارد که «خدا به پرهیزکاران وعده داده است که با آنان به خوبی رفتار کند و از جمله اینکه آن‌ها را از آتش برهاند. لذا عبارت «لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا»، بر دوری و رهایی آنان از آتش تأکید می‌کند» (مغنیه، ۱۳۷۸: ۴۹۱/۵)، ولی از این آیه عدم داخل شدن مؤمنان به جهنم فهمیده نمی‌شود. البته علامه طباطبایی معتقد است که لفظ «مبعدون» در این آیه به معنای داخل شدن واقعی به جهنم نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۲/۱۴). اما سؤال اینجاست که چه بسا معنای عبارت ﴿أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ * لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا﴾، دور نگه داشتن بعد از داخل شدن باشد. همچنان‌که همین معنای «دور کردن بعد از دخول» نیز از آیه ﴿ثُمَّ نُنَجِّى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَدْرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا﴾ (مریم / ۷۲) استظهار شده، و نیز گفته‌اند: خداوند بنا بر احترام، میان آنان و شنیدن صدای

آتش حاجبی قرار می دهد، همچنان که میان ابراهیم و حرارت آتش چنان حاجبی قرار داد و به آتش فرمود: ﴿كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ﴾ (انبیاء / ۶۹)؛ «سرد و سالم باش بر ابراهیم».

بر این اساس ورود مؤمنان به جهنم به گونه ای است که خواری و عذاب جهنم به آنان آسیبی نمی رساند (علم الهدی، ۱۹۹۸: ۵۰/۲) و همان طور که آتش بر ابراهیم نبی عليه السلام سرد و خاموش شد، در اینجا نیز خاصیت سوزندگی خود را از دست داده، برای مؤمنان سرد و بی آزار می گردد: «فتكون على المؤمنين برداً و سلاماً كما كانت على ابراهيم» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۰۵/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۷۴۶/۲)

از سوی دیگر در روایتی از عبدالله بن مسعود نقل شده که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، گذر همه انسان ها از میان آتش دوزخ را چنین ترسیم نموده اند: «يَرِدُ النَّاسُ النَّارَ ثُمَّ يَصْدُرُونَ عَنْهَا بِأَعْمَالِهِمْ فَأَوْلَهُمْ كَلِمَحِ الْبَرْقِ ثُمَّ كَالرَّيْحِ ثُمَّ كَحُضْرِ الْفَرَسِ ثُمَّ كَالرَّاكِبِ فِي رَحْلِهِ ثُمَّ كَشَدِّ الرَّجْلِ ثُمَّ كَمَشْيِهِ» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۶/۲۲۷). از این منظر، همه انسان ها با سرعت های متفاوت از میان آتش جهنم عبور خواهند کرد، و با توجه به کارنامه اعمالشان، برخی کمتر از یک چشم برهم زدن، برخی همچون گذشتن تندباد، بعضی چونان دویدن سریع اسب، بعضی همانند سوار معمولی، عده ای نیز چون پیاده ای که تند می رود، و بعضی همچون کسی که معمولی راه می رود، از آتش جهنم گذر خواهند کرد. هنگامی که همه انسان ها وارد جهنم شدند، آتش دوزخ برای «مخلصین» سرد و بی آزار است؛ زیرا شیطان در دنیا نتوانسته است آن ها را گمراه سازد، همچنان که در قرآن کریم آمده است: ﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾ (حجر / ۴۰)؛ «مگر بندگان خالص تو از میان آنان را» و آنجاست که فرشتگان مقرب آماده اند تا مؤمنان را با اکرام و امنیت کامل به بهشت برین راهنمایی کنند: ﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ﴾ (حجر / ۴۶) که واژه «آمنین» نیز اشاره ای است به آرامش خاطر بهشتیان و نرنجیدن و ناراحت نشدن آنان از آتش سوزان جهنم.

هر چند عده ای با پذیرش ورود به جهنم، قائل به حضور انبیا و صالحان در وادی جهنم نیستند و آنان را از این جمع مستثنی کرده اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱/۱۳۹؛ حسینی

همدانی، ۱۴۰۴: ۱۰/۴۰۶)، با توجه به حکم صریح و بی‌پرده الهی در گذر همه انسان‌ها از میان جهنم و تحقق حتمی امر خداوند، چنین دیدگاهی به‌رغم جایگاه و منزلت رفیع رسولان الهی، قطعاً خالی از شائبه نیست؛ چراکه عبارت «كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا» تأکیدی است بر تحقق قطعی آن رخداد و استثنا نبودن عده‌ای در شمول چنین حکمی.

مؤلف تفسیر نور نیز معتقد است که «داستان عبور حضرت موسی و پیروانش از دریا و غرق شدن و عذاب فرعونیان در آن، ترسیمی از قیامت است که همه وارد جهنم می‌شوند و سپس متقین نجات پیدا می‌کنند» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳/۱۵۷). به علاوه روایات متعددی در تفسیر آیه رسیده است که این معنا را کاملاً تقویت می‌کند:

از جمله اینکه از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که شخصی از او درباره این آیه پرسید، جابر با هر دو انگشت به دو گوشش اشاره کرد و گفت: مطلبی با این دو گوش خود از پیامبر ﷺ شنیدم که اگر دروغ بگویم هر دو کرباد! می‌فرمود: «الْوُرُودُ الدُّخُولُ لَا يَبْقَى بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ إِلَّا يَدْخُلُهَا. تَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بَرْدًا وَسَلَامًا كَمَا كَانَتْ عَلَى إِبْرَاهِيمَ. حَتَّىٰ إِنَّ لِلنَّارِ أَوْ قَالَ لِحَبْطِهِمْ صَحِيجًا مِنْ بَرْدِهَا ثُمَّ يُنَجَّى الَّذِينَ اتَّقَوْا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۲۴۹)؛ «ورود در اینجا به معنای دخول است. هیچ نیکوکار و بدکاری نیست مگر اینکه داخل جهنم می‌شود. آتش در برابر مؤمنان سرد و سالم خواهد بود، همان‌گونه که برای ابراهیم بود، تا آنجا که «آتش» - یا فرمود «جهنم» - از شدت سردی فریاد می‌کشد، سپس پرهیزکاران رهایی می‌یابند».

در حدیث دیگری از پیامبر ﷺ آمده است که حضرت می‌فرماید: «يَقُولُ النَّارُ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جُزْيًا مُؤْمِنٌ فَقَدْ أَظْفَأَ نُورَكَ لَهْبِي» (همان، ۸/۲۴۹)؛ «آتش به مؤمنان روز قیامت می‌گوید: ای مؤمن، زودتر از من بگذر که نورت شعله مرا خاموش کرد».

برخی از مفسران که با معنای «عدم دخول» در آیه مذکور موافق‌اند، در تأیید مدعای خود به کلام راغب اصفهانی استناد کرده‌اند که گفته است: مردم معمولاً در کناره و لبه آتش می‌نشینند و داخل آن نمی‌شوند و به آیه ۲۳ سوره قصص استدلال کرده‌اند که چون معلوم است که موسی عليه السلام به کناره چاه مدین آمده و داخل آب نشده، پس در آیه مورد

بحث هم، معنا این نیست که همگی داخل آتش می شوند، بلکه در کناره های آن حاضر شده، بدان می نگرند. اما در این موضوع، نه از لحاظ مفاهیم واژگانی می توان چنین قیاسی انجام داد و نه اینکه سیاق دو آیه و فضای مورد بحث به هم شبیه اند تا بتوان چنان معنایی را در این موضوع خاص نیز صادق دانست؛ زیرا اگر مقصود، تنها بیان حضور و تجمع در اطراف جهنم می بود، چرا همچون آیه ۶۸ سوره مریم به صراحت بر حاضر شدن گرداگرد آتش دوزخ اشاره نمی کند؛ آنجا که در ترسیم پرده ای از وقایع قیامت، تصویری ملموس از تجمع ستمکاران و شیطان هایشان در اطراف دوزخ ارائه می دهد و می فرماید: ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا﴾ (مریم / ۶۸). بنابراین، برخلاف دیدگاه کسانی چون ابن عاشور که «ورود» را به معنای «وصول» دانسته اند، هم روایات معصومین علیهم السلام بر «دخول» همگانی به جهنم اشاره دارد و هم اینکه بررسی لغوی واژه «ورود» و مشتقات آن در دیگر آیات کریمه، و نیز فحوای کلام در برخی آیات، می تواند تبیین کننده معنای «دخول» همه مردم به جهنم باشد.

همان طور که پیش تر بیان شد، ابن عاشور از جمله کسانی است که به «عدم دخول» به جهنم قائل است و پایه دیدگاه او بر تفسیر واژه «منکم» از آیه ۷۱ سوره مریم بنا شده است که آن را تنها نوعی التفات و تغییر ضمیر از غایب به مخاطب پنداشته، به هدف افاده تهدید مضاعف و اینکه ضمیر مخاطب اخص از ضمیر غایب است. از این رو، عبارت ﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا﴾ را خطاب به همه مردم اعم از مؤمن و کافر نمی داند، بلکه آن را در راستای تفسیر آیه ما قبل؛ یعنی ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا﴾ (مریم / ۶۸) می داند که تنها اشاره به مشرکان و کفار است.

با اینکه ابن عاشور، تصور معنای «دخول» در عبارت ﴿إِلَّا وَارِدُهَا﴾ را نوعی مجاز برشمرده که اثبات آن نیازمند قرینه است، باید گفت ایشان، خود نیز نه تنها قرینه ای مشخص برای برداشت مفهوم «وصول» از این واژه ذکر نکرده، بلکه به جای تفسیر صریح عبارات و بررسی مفهومی واژگان، به تأویل عبارات روی آورده و برخی را یا متعلق به فعل محذوف یا در تقدیر امر دیگری دانسته است؛ مثلاً به سبب عدم برداشت معنای عام و

همگانی از ضمیر «کم» در عبارت «وَإِنْ مِّنْكُمْ»^۱، آن را در اصل «وإن منهم» دانسته است که به دلایلی که بیان شد، در تقدیر گرفته است و یا عبارت «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا»^۲ را به معنای نجات از «ورود به جهنم» فرض نموده، حال آنکه قرینه‌ای برای آن بیان نکرده و نیز عبارت «وَوَنذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثَّتَا»^۳ را «اظهار در مقام اضممار» برشمرده که در اصل «ونذرکم آیتها الظالمون» بوده است و با این نوع تأویلات، دیدگاه خود مبنی بر عدم دخول همگانی به جهنم را تبیین کرده است.

از سوی دیگر، اگر یک واژه چند معنای مختلف یا حتی متضاد داشته باشد، دلیلی بر غلبه یک معنا بر دیگر معانی نخواهد بود، بلکه با توجه به مقتضای حال و موضوع مورد بحث، هریک از آن مفاهیم در جای خود به کار می‌رود. از این رو بر طبق دیدگاه قائلان به «عدم دخول در جهنم» نمی‌توان گفت چون واژه «ورود» در آیاتی چون «لَوْ كَانَ هُوَ لِآلِهَةٍ مَّا وَرَدُّوَهَا وَكُلَّ فِيهَا خَالِدُونَ»^۴ (انبیاء / ۹۹)، ناظر به معنای «حضور و نزدیکی» به آتش جهنم است، می‌توان این معنا را به دیگر آیات دارای این واژه نیز تعمیم داد؛ زیرا هم عبارات و واژگان سوره مریم بیانگر «دخول همه افراد در جهنم» است و هم اینکه در دیگر آیات قرآنی بر عدم رنجش مؤمنان از آتش جهنم و در امنیت کامل قرار گرفتن ایشان تأکید شده است. از این رو نمی‌توان تنها با تعمیم و غلبه یک وجه معنایی واژه‌ای در قرآن کریم، آن را بر حسب عقاید دینی و مذهبی خاص و به پشتوانه امور ذوقی، در مسیر تأیید برخی دیدگاه‌های خاص دینی قرار داد. همچنین برخی دیگر از آیات قرآن، مانند «إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ»^۵ (انبیاء / ۹۸)، «فَأُورِدُهُمُ النَّارَ وَيَسَّ الْوُرُودَ الْمُورُودُ»^۶ (هود / ۹۸) و مفهوم واژگان آن، دیدگاه کسانی را که «دخول» به جهنم وارد کرده و به گذر انسان‌ها از «صراط» و غیر آن قائل شده‌اند، باطل می‌شمارد؛ زیرا واژه «فیها» در آیه «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثَّتَا»^۷ (مریم / ۷۲)، به «جهنم» اشاره دارد و اینکه ستمکاران، از حرکت به سوی بهشت باز می‌مانند (حقی بروسوی، بی‌تا: ۳۵۰ / ۵). همچنین واژه «بِهَا» و «صَلِيًّا» در آیه «ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَىٰ بِهَا صَلِيًّا»^۸ (مریم / ۷۰)، اشاره به دخول مشرکان به آتش جهنم دارد و از این معناست که گفته

می‌شود: «صَلَّى يَصَلِي وَ مَضَى يَمْضِي إِذَا دَخَلَ النَّارَ» (همان: ۵ / ۳۵۰). پس طبق آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد درست‌ترین رأی همان دیدگاه گروه اول است؛ زیرا دلیل و قرینه‌ای وجود ندارد که «ورود» در معنای ظاهری و اصلی خودش به کار نرفته باشد. همچنین همگان، از جمله نیکوکاران وارد جهنم می‌شوند، اما آتش جهنم نمی‌تواند به نیکوکاران آسیبی برساند و برای آنان سرد و بی‌اثر می‌گردد، اما وضعیت برای بدکاران این‌گونه نیست.

۵- چرایی ورود مؤمنان به جهنم

پس از آنکه گفته شد تمامی انسان‌ها اعم از نیکوکار و بدکار وارد جهنم می‌شوند و بهشتیان از آن عبور می‌کنند و جهنمیان در آن باقی می‌مانند، این سؤال پیش می‌آید که فلسفه ورود بهشتیان به جهنم و فایده این دخول چیست؟

از مهم‌ترین نتایج و فواید این کار، تطهیر و پاک شدن بهشتیانی است که در زندگی دنیا با اینکه مؤمن و تسلیم امر خداوند بوده‌اند، گناہانی هم داشته‌اند تا با چشیدن عذاب، تاریکی‌هایشان به روشنی تبدیل گردد و برای ورود به بهشت آماده شوند. یکی دیگر از فواید این کار، دیدن و درک کردن حال جهنمیان، و در نتیجه قدر عافیت دانستن است. برخی گویند: «در بعضی روایات آمده است که خداوند کسی را به بهشت نمی‌برد، مگر اینکه او را از عذاب جهنم آگاه سازد تا اینکه فضل خدا و لطف و احسان او را نیک دریابد. از این رو، از بهشت و نعمت‌های آن بسیار مسرور و شادمان می‌شود و کسی وارد آتش جهنم نمی‌شود، مگر اینکه او را از بهشت و نعمت‌های آن آگاه گرداند تا به سبب از دست دادن بهشت و نعمت‌هایش، بر حسرت و ناراحتی‌اش افزوده شود» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۸۱۲).

نتیجه‌گیری

طبق بیان صریح آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام تمامی انسان‌ها اعم از مؤمن و موحد تا کافر و مشرک و از پیامبر تا غیر پیامبر، وارد جهنم می‌شوند. تنها بهشت کانون محبت و

جهنم کانون قهر و غضب خداوند نیست، بلکه تشریفات ورود در هریک از آن‌ها نیز این معنا را می‌رساند که قبل از ورود هم، محبت خدا شامل نیکوکاران، و غضبش سهم بدکاران است؛ و هر گروه از آنان هنگامی که به سمت سرای ابدی خویش برده می‌شوند با برخورد و رفتاری که شایسته آن می‌باشند، روبه‌رو می‌شوند.

با توجه به معناشناسی واژه «واردها» در آیه ۷۱ سوره مریم در جلوه «دخول» و حکمی که دیگر آیات و نیز روایات معصومین علیهم‌السلام مؤید آن است، و نیز برخلاف دیدگاهی که معتقد است مؤمنان هرگز وارد فضای جهنم نمی‌شوند، بلکه تنها در کنار آن حاضر شده، بر آن اشراف دارند و یا دیدگاهی که با تغییر مفهوم ضمیر در «واردها»، آن را در جایی به غیر از جهنم متصور شده است، باید گفت که همه انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر، وارد جهنم خواهند شد و با توجه به عملکردشان در این دنیا، شتابان یا آهسته از مسیر جهنم عبور خواهند کرد. در این حالت، آتش دوزخ برای «مخلصین» سرد و بی‌آزار و برای بندگان مخلص خدا موجب تطهیر آنان می‌گردد، اما برای بدکاران سوزان است. در واقع، آتش جهنم برای تمامی مؤمنان سرد و بی‌آزار نیست؛ بلکه انسان‌های مؤمنی که در دنیا گناهکار بوده‌اند تا زمانی که با عذاب کشیدن، گناهانشان پاک شود یا پروردگار آنان را ببخشاید، در جهنم باقی می‌مانند؛ به همین دلیل است که سرعت عبور بهشتیان از جهنم با یکدیگر متفاوت است.

برخی دیگر از مفسران، با ارجاع ضمیر در «واردها» به فضایی غیر از جهنم در آیه مذکور، به دخول همه انسان‌ها در آتش معترف‌اند، اما نه در آتش جهنم، بلکه آن را در عالم برزخ یا صراط و موارد دیگر می‌بینند که این دیدگاه با توجه به مفهوم دیگر آیات مبنی بر حضور مؤمنان راستین در وادی جهنم و احساس نکردن شعله آتش سوزان آن و نیز برخی روایات از امامان معصوم علیهم‌السلام، نمی‌توان آن را نظری متقن و قابل اعتنا دانست.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، دار التونسیه، تونس، ۱۳۸۷.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴.
۴. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی تفسیر القرآن، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۲.
۵. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۶. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲.
۷. جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات توس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۸. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.
۹. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تحقیق محمد باقر بهبودی، انتشارات لطفی، تهران، ۱۴۰۴.
۱۰. حقی بُروسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، دار الفکر، بیروت، بی تا.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، نشر مرتضوی، تهران، ۱۳۶۹.
۱۲. زین الدین رازی، محمد بن ابی بکر، پرسش و پاسخ‌های قرآنی، ترجمه مسائل الرازی، ترجمه و تصحیح محمد رضا غیائی کرمانی، نورگستر، قم، ۱۳۸۰.
۱۳. سمرقندی، نصرین محمد، بحر العلوم، بی جا، بی تا.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۷.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۱۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، کتاب فروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۸. طیب، عبدالحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

۱۹. علم الهدی، علی بن حسین، *أمالی المرتضی*، دارالفکر العربی، قاهره، ۱۹۹۸.
۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن، *الأصفی فی تفسیر القرآن*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۸.
۲۱. فیومی، ابوالعباس احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، المكتبة العلمیه، بیروت، بی تا.
۲۲. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۸.
۲۳. قرشی بنایی، علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۲۴. _____، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲.
۲۵. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴.
۲۶. گنابادی، سلطان محمد، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، مؤسسه الأعلمی، بیروت، ۱۴۰۸.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، تحقیق جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳.
۲۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۹. مغنیه، محمدجواد، *تفسیر کاشف*، ترجمه موسی دانش، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، قم، ۱۳۷۸.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دهم، ۱۳۷۱.